



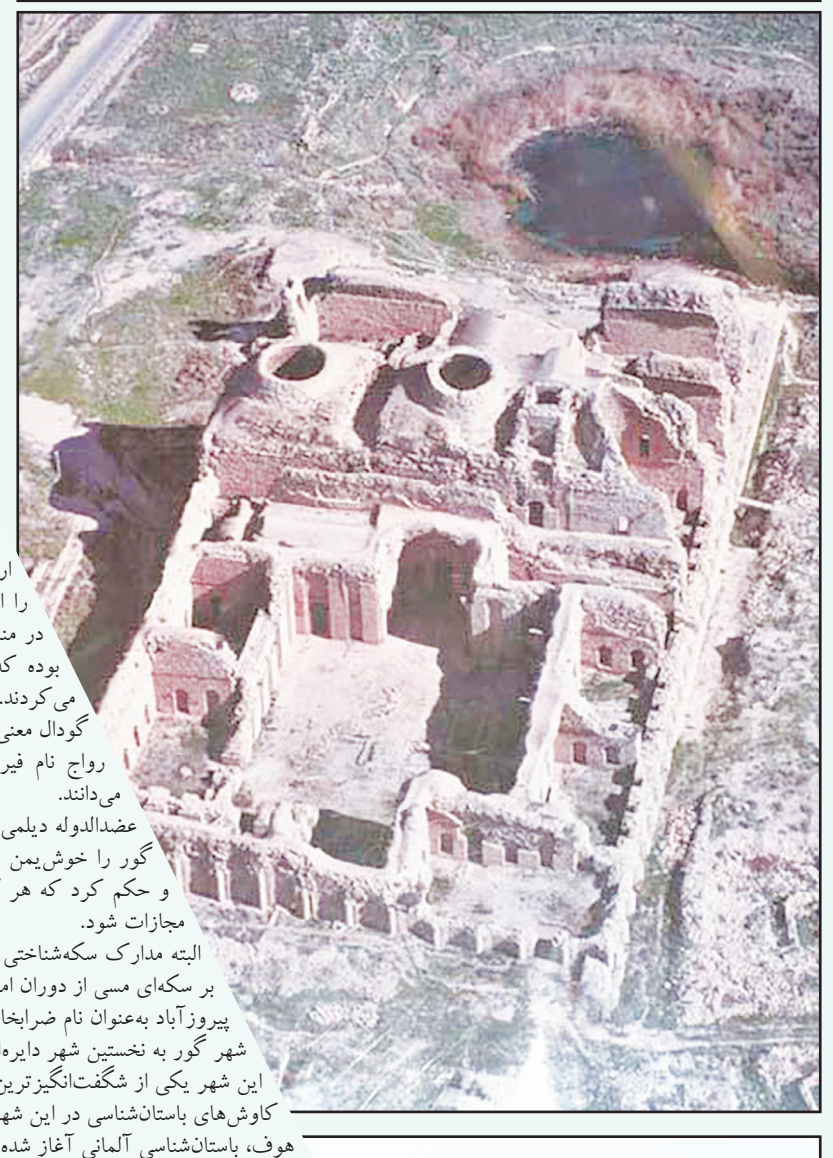
## شهر گور

شهر گور (اردشیرخوره یا فیروزآباد قدیم) محلی باستانی است در شهرستان فیروزآباد، استان فارس قرار دارد. گور در زمان آبادانی خود، مرکز بخشی از ایالت فارس به نام کوره اردشیرخوره بود. شهر گور اکنون متروک مانده و شهر کنونی فیروزآباد در سه کیلومتری آن قرار دارد.

این شهر در اوایل قرن سوم میلادی به دستور اردشیر بابکان بنیاد شد. اردشیر ساسانی نام رسمی شهر تازه بنیاد خود را اردشیرخوره به معنی فر اردشیر گذاشت. در منابع اسلامی این شهر به گور نیز معروف بوده که پس از اسلام، عربان آن را جور تلفظ می‌کردند. مورخان قدیم این واژه را دشت، پشته یا گودال معنی کرده‌اند.

رواج نام فیروزآباد را از قرن چهارم هجری به بعد می‌دانند. عضدالدوله دیلمی که اغلب در این شهر اقامت داشت و نام گور را خوش‌یمن نمی‌دانست، آن را به فیروزآباد تغییر داد و حکم کرد که هر کس این شهر و شهرستان را گور بگوید مجازات شود. البته مدارک سکه‌شناختی پیشینه این نام را عقب‌تر می‌برند؛ چنانکه بر سکه‌های مسی از دوران امویان که در اردشیرخوره ضرب شده واژه پیروزآباد به‌عنوان نام ضرابخانه دیده می‌شود. شهر گور به نخستین شهر دایره‌ای شکل ایران شهرت دارد. این شهر یکی از شکفت‌انگیزترین محوطه‌های باستانی ایران است. کاوش‌های باستان‌شناسی در این شهر ساسانی برای نخستین بار توسط دیرتیش هوف، باستان‌شناسی آلمانی آغاز شده است.

مورخان قدیم گور به دوران هخامنشیان نسبت می‌دهند. طبق گزارشات گور شهری بزرگ با حصار محکم بود و اسکندر مقدونی نتوانست آن را بگیرد و دستور داد که مسیر رودخانه‌ای را به سمت شهر بگردانند و آن را در آب غرق کنند. بعدها اردشیر عهد کرد که اگر اردوان اشکانی را شکست بدهد، در این محل شهر تازه‌ای بنا کند؛ و بعد از به پادشاهی رسیدن با کمک مهندسان کوه‌های اطراف جلگه را برید و آب را از آن طریق خارج کرد و روی زمین خشک شهر جدید گور را ساخت و آنجا را تختگاه خود قرار داد.



بقایای تالاری با ایوان بزرگ و سقف گنبدی در بلندترین بخش این قلعه، وجود دارد که احتمال می‌رود ویژه اقامت اردشیر و خانواده‌اش بوده است. این مجموعه قلعه دختر نام دارد و باروهای اطراف آن بخشی از استحکامات گور به شمار می‌رفتند. کاخ اردشیر بابکان در شمال گور قرار دارد بنای شکوهمندی است که احتمالاً اقامتگاه و تالار بار عام اردشیر شاه بوده است. ویژگی‌های معماری ساسانی مثل ایوان بزرگ و ورودی، حیاط داخلی با ایوان‌های روبرو و اتاق‌های گنبدپوش در این ساختمان به‌خوبی دیده می‌شود. پل مهرنرسه پلی بود در گذرگاه تنگاب، به دستور مهر نرسه وزیر مقتدر ساسانی ساخته شد. این پل که در زمان خود بیش از ۵۰ متر درازا، یک دهانه اصلی و چند دهانه فرعی داشته. مهرنرسه که خود زاده یکی از روستاهای اردشیرخوره بود در این ناحیه فعالیت‌های عمرانی زیادی انجام داد. اکنون یک پایه سنگی بزرگ باقی‌مانده است. بدنه این پایه بر ساخته از لاشه‌سنگ و ساروج و نمای آن تکه سنگ‌های تراشیده است که با به ست‌های آهنی به هم متصل شده‌اند. مهر نرسه در کتیبه پهلوی کوتاهی که کنار نقش اردشیر نویسانده خود را به‌عنوان بانی پل معرفی و از مسافران و رهگذران طلب دعای خیر کرده است. دو نگارکند نیز بر دیواره‌های صخره‌ای تنگاب دیده می‌شود. نقش برجسته پیروزی در این محل قرار دارد که اردشیر و پسرش شاپور سوار بر اسب در رزمگاه تصویر شده‌اند و اردشیر با ضربه نیزه اردوان شاه را از اسب به زیر می‌اندازد. نقش تاج‌ستانی اردشیر تصویری از اردشیر است که در حضور درباریان از اهورامزدا دیهیم پادشاهی می‌گیرد، در این مکان قرار دارد. این شهر چهار دروازه اصلی داشته است. این دروازه‌ها عبارت‌اند از باب مهر که از طرف شرق، باب بهرام که از طرف غرب، باب هرمز که دروازه شمالی محسوب می‌شده و در آخر نیز باب اردشیر که از طرف جنوب باز می‌شده است. چهار شاهزاده ساسانی برای اولین بار روی یکی از دیوارهای به‌دست‌آمده از این شهر کشف شد. این چهار شاهزاده را دو زن و یک مرد جوان به همراه نوجوانی تشکیل می‌دهند. کشف نقش چهار شاهزاده ساسانی روی بقایای کاخی از دوره اردشیر بابکان به همراه کف منقوش رنگی از این دوره بخشی از این شگفتی‌ها است که باگذشت بیش از ۲۰۰۰ سال همچنان رنگ‌های به‌کاررفته در آن تندرست مانده است. این شهر مملو از نقاشی‌ها و تصاویر باستانی از آن دوره ساسانی است.

مورخان قدیم گور به دوران هخامنشیان نسبت می‌دهند. طبق گزارشات گور شهری بزرگ با حصار محکم بود و اسکندر مقدونی نتوانست آن را بگیرد و دستور داد که مسیر رودخانه‌ای را به سمت شهر بگردانند و آن را در آب غرق کنند. بعدها اردشیر عهد کرد که اگر اردوان اشکانی را شکست بدهد، در این محل شهر تازه‌ای بنا کند؛ و بعد از به پادشاهی رسیدن با کمک مهندسان کوه‌های اطراف جلگه را برید و آب را از آن طریق خارج کرد و روی زمین خشک شهر جدید گور را ساخت و آنجا را تختگاه خود قرار داد. ولی کارشناسان در درستی این داستان (آب‌گرفتگی جلگه فیروزآباد به مدت پانصد سال) شک دارند و بیشتر گزارش طبری را که می‌گوید اردشیر بنای شهر گور را در حدود سال ۲۲۴ میلادی و به نشانه قدرت‌نمایی در برابر آخرین شاه اشکانی آغاز کرده است. را قبول دارند. این شهر به دلیل نسبتش با سردودمان ساسانی بعد از اردشیر همچنان آباد و مرکز کوره اردشیر باقی ماند. هر چند در سایه پیشاپور (شهر جدید شاپور یکم) تاندازه‌ای در حاشیه قرار گرفت. در اوایل دوران اسلامی شاهان آل‌بویه که شیراز را تختگاه خود کرده بودند به آبادانی شهر گور پرداختند. به دستور عضدالدوله دیلمی، مسجد جامع و بیمارستان در شهر ساخته شد. کتابخانه بزرگی به نام دارالعلم توسط ابومنصور بهرام بن مافته وزیر خوشنام ابوالیحیاء دیلمی با نوزده هزار جلد کتاب نفیس وقف شد که تنها چهار هزار جلد آن به خط ابوعلی و ابوعبدالله بن مقله بود. در قرن چهارم هجری گور شهری آباد بود و هوای معتدلی داشت، دارای آب فراوان و بوستان‌ها و گلستان‌های بسیار و باغ‌های میوه بود. عریقات، میوه، پارچه و گلاب در این شهر تولید می‌شد که گلاب در میان آنها رتبه اول را داشت. گلاب گور و کوار به بسیاری سرزمین‌ها چون چین، هند، بیزانس، مصر، یمن، مغرب عربی و اروپا صادر می‌شد حتی گل سرخ گور در کشورهای اسلامی شناخته‌شده و به خاطر بوی خوش و شفافیت رنگ زیان‌زد عرب‌ها بود. از بوستان‌های گور عرق شکوفه نخل، عرق بومادران، عرق زعفران و عرق بید به دست می‌آمد. در قرن هفتم یا هشتم هجری گور به دلایل نامعلوم ویران و خالی از سکنه شد.

این شهر چهار دروازه اصلی داشته است. این دروازه‌ها عبارت‌اند از باب مهر که از طرف شرق، باب بهرام که از طرف غرب، باب هرمز که دروازه شمالی محسوب می‌شده و در آخر نیز باب اردشیر که از طرف جنوب باز می‌شده است. منار میلو ستونی است چهار گوش از جنس سنگ خارا و ملاط گچ که درست در کانون هندسی دایره شهر قرار دارد. امروزه بلندی آن ۳۳ متر و هر ضلع قاعده آن ۱۱ متر است. کاربری منار میلو معلوم نیست. درخصوص ساخت این منار نظریه‌های مختلفی ارائه شده است که منار به‌عنوان سمبل قدرت پادشاه بوده یا جهت دایره درآوردن و ساختن شهر بوده، محل ارتباط با قلعه دختر جهت اطلاع از حملات دشمن و یا محل نیاپش بوده است طبق گزارشات سر آن آتشکده‌ای بوده و از کوه مجاور آبراهی به شهر کشیده بودند که آب را مانند فواره تا بالای منار می‌رسانید.



دیرتیش هوف معتقد است این بنا بقایای یک برج پلدار است